

گفت‌وگوی «وطن امروز» با آیت‌الله محسن فقیه‌ای، از شاگردان شهید مرتضی مطهری درباره سیر علمی و عملی علامه

# روش تبلیغی استاد عقلانی بود، نه نقالی خواب

شهید مطهری با تبلیغ اسلام بر مبنای خواب و کرامت مخالف بود؛ معتقد بود اسلام با این چیزها پیش نمی‌رود و کسی که اینگونه ایمان بیاورد با کوچک‌ترین مسأله‌ای از ایمان خارج می‌شود



دینی را از یک گروهی از منبریه‌ها و سخنرانان مذهبی و معنوی دریافت می‌کردند. به نظر شما چه اتفاقی افتاده است که بخش مهمی از جوانان مذهبی امروز ما به جای مراجعه به کتب شهید مطهری بیشتر برای اینگونه سخنرانی‌ها می‌نشینند؟

ببینید! بخشی از سخنرانی‌های امروز حول محور خواب و کرامت و حاجت می‌چرخد. نقل خواب و کرامت برای افراد مختلف جاذبه دارد، یعنی شخص حاجتی دارد و گمان می‌کند اگر به این جریان متصل شود حاجتش را زود می‌گیرد. خب! اینجور مسائل جذابیت دارد. نمی‌خواهم بگویم این چیزها استدلالی باشد. اینکه ما ذائقه دینی مردم را ببریم به سمت شنیدن خواب و کرامت کار غلطی است. مردمی که اینگونه تربیت شوند دیگر کمتر سراغ مطالعه می‌روند.

شهید مطهری همه دغدغه‌اش این بود که مردم را استدلالی تربیت کند. آنها را برهانی بار بیاورد. مردمی که عادت کنند استدلالی و برهانی به دین نگاه کنند، دیگر آسیر خرافات نمی‌شوند. اینگونه، اعتقادات مردم هم مستحکم‌تر می‌شود ولی متأسفانه اکثر مردم به استدلالات عمیق اصلاً توجه نمی‌کنند. شما چقدر دانشمند و عالم سطح بالا دارید که مباحث و حرف‌های شهید مطهری را اصلاً بفهمند؟ خب! کتاب‌های شهید مطهری

ببینید! شهید مطهری واقعا «جهانی» می‌اندیشید؛ این عنصر مهمی برای یک متفکر است. دید ایشان محدود به یک جامعه محلی مثل قم، یا حتی یک جامعه ملی، مثلاً در سطح ایران نبود، ایشان جهانی می‌اندیشید و سعی می‌کرد به گونه‌ای به تبیین معارف اسلامی بپردازد که بتوان آن تبیینات را در سطح جهان مطرح کرد.

استاد مطهری طبق فرمایش امین انقلاب، ایدئولوگ انقلاب اسلامی است. ایشان صحبت‌های متعددی درباره آینده انقلاب اسلامی داشتند که یک کتابی هم با همین عنوان از ایشان به چاپ رسیده است. استاد درباره آینده انقلاب اسلامی و تداوم راه انقلابی جمهوری اسلامی نگرانی‌هایی داشتند و به این چالش‌ها و نگرانی‌ها اشاراتی داشتند، مثل مسأله عدالت، آزادی، معنویت و عدم التقاط. در این زمینه هم می‌خواستیم نظر شما را مرحوم شهید مطهری برخوردش با انحرافات بسیار جدی بود، یعنی معتقد بود ما اگر تدین به دین اسلام داریم، باید در این مسیر، اسلام مخلوط را قبول نکنیم؛ به این معنا که یک مقدار اسلامی باشیم، یک مقدار لائیک باشیم و یک مقدار کمونیست. در واقع باید اسلامی صحیح و واقعی و محترم‌انه وارد گفت‌وگو می‌شود و همین هم در انحرافات و تقاطعات کاملاً مخالف بود ولی با احترام و منتقد برخورد می‌کرد.

نکته‌ای که ما می‌بینیم اینجاست که این است که شهید مطهری با اینکه اصول فکری مشخص و معینی داشت و با قدرت از این اصول فکری دفاع می‌کرد اما برخوردش با تفکرات دیگر یک رویکرد حذفی نبود. یعنی نمی‌خواست طرف مقابل را که با او موافق نیست حذف و نابود کند، بلکه به افکار دیگران هم احترام می‌گذاشت. همین رویکرد خوبی در نحوه برخورد ایشان با مرحوم دکتر علی شریعتی مشهود است. ایشان با مرحوم دکتر شریعتی مخالف بود و حرف‌های ایشان را رد می‌کرد اما در عین حال اهانت نمی‌کرد. با استدلال و منطق حرف‌های ایشان را رد می‌کرد و می‌گفت کتاب‌های ایشان ایرادات و اشتباهاتی دارد و حرف‌های خوبی هم دارد. از حرف‌های خوب ایشان باید استفاده کرد و جایی که اشکال وجود دارد باید بیسان کرد و بنای بر حذف مخالف نداشت. با توجه به اینکه این مسائل در زمانی بود که خیلی‌ها شریعتی را تکفیر می‌کردند و بد می‌گفتند و اهانت‌های زیادی به شریعتی می‌کردند ولی ایشان برخورد حذفی نداشت. اصولاً برخورد استاد طوری بود که هم با انحرافات برخورد می‌کرد و هم احترام اشخاص را نگه می‌داشت و با بی‌احترامی با کسی برخورد نمی‌کرد. اگر طرف مقابل کمونیست بود یا افکار التقاطی داشت، بحث مطهری بود.



آیت‌الله شهید مطهری از شخصیت‌های علمی و چهره‌های انقلابی‌ای است که به‌رغم سفارشات زیادی که از ناحیه بزرگان مبنی بر مطالعه آثار ایشان شده است و با وجود تبلیغاتی که در این ۴۲ سال برای خوانش آثار و اندیشه‌های ایشان شده است، به نظر می‌رسد هنوز ارزش افکار و کتاب‌های شان برای جامعه بویژه نخبگان حوزوی و دانشگاهی ما ناشناخته است.

استاد مطهری با وجود اینکه خاستگاهی حوزوی دارد و در دسته‌بندی سنت و مدرنیته، شاید بتوان او را میراث‌دار و سنگربان سنت دانست، لکن رویکردی بسیار انتقادی به دینداری عوامانه و تدین جامعه سنتی دارد.

در زمانه‌ای که طرد و تکفیر و تخریب به بهانه مخالفت و عدم هم‌سوئی سکه رایج بود، استاد مطهری هرگز قائل به حذف اندیشه‌های مخالف نبود و در عمل بارها از مکاتب مختلف فکری دعوت به گفت‌وگو و مناظره می‌کرد و همیشه اعلام می‌کرد همه اندیشه‌ها اعم از الحادی و توحیدی باید حق و فضای بیان افکار خود را داشته باشند که نامه ایشان به رئیس دانشکده الهیات مبنی بر دعوت از اساتید ملحد مارکسیست به دانشگاه برای تدریس و مناظره شاهد این مدعاست.

برداشتن به اندیشه‌های اساتید مطهری از ۲ جهت دارای اهمیت است؛ اول اینکه ایشان به لحاظ علمی و تسلطشان بر علوم اسلامی جزو نوادر دوران بود و کمتر عالمی مثل ایشان در چندین رشته از رشته‌های علوم دینی و علوم انسانی عمیق و مسلط بود. جهت دوم این است که ایشان از مهم‌ترین شخصیت‌ها و موثرین در انقلاب اسلامی بود و به تعبیر مقام معظم رهبری مبنای فکری جمهوری اسلامی آثار و اندیشه‌های استاد مطهری است.

به همین جهت برای مروری کوتاه بر شخصیت و روش علمی شهید مطهری به گفت‌وگو با آیت‌الله محسن فقیه‌ای، از شاگردان قدیمی شهید مطهری نشستیم. آیت‌الله فقیه‌ای در گفت‌وگو با «وطن امروز» اظهار داشت: بازترین ویژگی آثار استاد مطهری عقلانی و منطقی بودن آن است. چرا که استاد معتقد بود بهترین راه برای تبلیغ اسلام بیان استدلال و براین منطقی است و با روش‌هایی نظیر نقل خواب و کرامت که بعضی از منبریه‌ها انجام می‌دهند، پشت مخالف بود.

آیت‌الله فقیه‌ای همچنین دیگر ویژگی سخنرانی‌ها و نوشته‌های استاد شهید مطهری را توجه ویژه ایشان به مسائل و مشکلات روز جامعه ایران و جهان عنوان کرد. آیت‌الله فقیه‌ای تأکید کرد: همه تلاش شهید مطهری این بود که از میراث دینی و فلسفی و فقهی، باس‌هایی به زبان روز و قابل فهم انسان امروز برای این نیازها و مشکلات به دست آورد.

شما سال‌ها از شاگردان شهید مطهری بوده‌اید؛ به عنوان سؤال اول فرمایید آشنایی شما با شهید مطهری چگونه رقم خورد؟

شهید مطهری بعد از مدتی که در تهران تدریس داشت، به درخواست علما و فضایی‌قم برای تدریس فلسفه به قم بازگشت. ایشان یک درس فلسفه در قم راه انداخت و یک درس خصوصی فقه هم در منزل دایر کرد.

شهید مطهری درس فلسفه را در مسجد اعظم می‌گفت؟

خیر! ایشان فلسفه را در مدرسه رضویه که در خیابان آذر قم بود، شروع کرد. بعد کم‌کم جمعیت شاگردان زیاد شد و به همین علت محل تدریس ایشان به حسینیه آرگ منتقل شد که فضای وسیع‌تری داشت و شاگردان بیشتری می‌توانستند در کلاس درس شهید مطهری شرکت کنند.

روش تدریس شهید مطهری با دیگر اساتید حوزه تفاوت چشمگیری داشت؟ اگر اینگونه بود تفاوت روش تدریس شهید مطهری با دیگر اساتید در چه بود؟

ببینید! من یک بار درس اسفار را نزد آیت‌الله جوادی‌آملی خوانده بودم اما وقتی تدریس شهید مطهری را دیدم، لازم دانستم یک بار دیگر اسفار را نزد شهید مطهری نیز بخوانم.

فرقی که تدریس شهید مطهری با درس‌های قبلی که ما دیده بودیم داشت، این بود که ایشان مثال‌هایی که در بحث فلسفه می‌زد و تطبیقاتی که در درس فلسفه انجام می‌داد، به‌روز بود، یعنی مسائل اجتماعی و سیاسی بود. مثال‌هایی بود که ما احساس می‌کردیم فلسفه یک علمی نیست که صرفاً در کتاب‌هاست، بلکه علمی است که می‌تواند در جامعه پیاده شود و از آن استفاده شود، لذا با این دید در بحث ایشان شرکت و واقعا استفاده می‌کردیم که کاملاً فلسفه را به روز و با تطبیق با جامعه اسلامی و جوامع متعدد می‌توانستیم استفاده کنیم.

استاد فلسفه شهید مطهری، حضرت علامه طباطبایی بودند؟

نه فقط علامه طباطبایی، شهید مطهری از محضر حضرت امام نیز بهره‌ها برد. به شناختی که امام از شخصیت جامع و بینه قوی علمی شهید

به نظر شما چه چیزی باعث شد اسلامی که شهید مطهری معرفی می‌کرد، تا این حد مورد پذیرش قرار بگیرد به طوری که ادامه حیات‌شان را با آن موجب به خطر افتادن جایگاه جریانات انتقالی شده بود؟

ببینید! روش شهید مطهری در معرفی مبنای اسلامی، مبتنی بر برهان و استدلال بود. اینطور نبود که با خواب و رؤیا و نقل کرامات، ایمان‌های ضعیف را معرفی کند. این چیزها تأثیر می‌گیرند ولی انسان‌های قوی و علمی با استدلال و برهان تأثیر می‌پذیرند

استادان غربی را می‌خواند و با استدلال و منطق برخورد می‌کرد و اسلام را به صورت علمی معرفی می‌کرد. اینطور نبود که با خواب و رؤیا و نقل کرامات، اسلام را معرفی کند. معتقد بود اسلام با این چیزها پیش نمی‌رود و کسی که با یک خواب اعتقاد به اسلام پیدا می‌کند، با یک چیز دیگر اعتقادش از بین می‌رود. با این تفکر که کرامت و خواب نقل کنیم مخالف بود. ایمان‌های ضعیف با این چیزها تأثیر می‌گیرند ولی انسان‌های قوی و علمی با استدلال و برهان تأثیر می‌پذیرند. ایشان برهانی بود، یعنی بر برهان و دلیل اسلام را برای مردم و دانشمندان اثبات می‌کرد. در عین حال به روضه و گریه و حرم رفتن اعتقاد زیادی داشت و اینچنین روحیاتی داشت ولی با افرادی که می‌خواهند با نقل خواب و کرامت مردم را به دین دعوت کنند، مخالف بود و می‌گفت اینها ولو واقعیت هم داشته باشند، ما نباید بگوییم، زیرا اینها ضرر دارد و اسلام را ضعیف و عقیده‌های عوامانه نشان می‌دهد.

جناب آیت‌الله فقیه‌ای یاد هست چند سال پیش یک نظر سنجی بین جوانان مذهبی انجام شده بود که از کدام چهره‌ها، معارف و آموزه‌های اسلامی را دریافت می‌کنید، در کمال تعجب، شهید مطهری جزو نفرات اول در این نظر سنجی نبود. این یعنی بخش قابل توجهی از جوانان قشر مذهبی، معارف